

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید انوری

یک تبصره بر دو نظر

حامد کرزی: ((رهبران سیاسی و جهادی افغانستان برای بهبود وضعیت فعلی این کشور با هم متحد شوند.))

حامد کرزی به غریقی شباهت دارد که در آخرین لحظات غرق شدن ، به هر خس و خاری جهت نجات جاننش دست می اندازد. ایشان از رهنان جهادی و سوداگران سیاسی که نه حرمت جهاد مردم افغانستان را نگهداشتند و نه هم بوئی از سیاست برده اند ، مصرانه تقاضا میکنند تا باهم متحد شوند . مگر جناب کرزی فراموش کرده اند که افراد مورد نظر شان همین اکنون در یک اتحاد و در زیر چتر (جبهه ملی) گرد آمده اند و باز هم فراموش کرده اند که جناب شان در نخستین روز های تولد همین موجود عجیب الخلقه فرموده بودند که کشور های خارجی در بوجود آوردن (جبهه ملی) دست دارند. در همین اتحاد چپ نما ها و راست گرا ها اکثریت افراد مورد نظر کرزی گردهم آمده اند.

مردم افغانستان و به خصوص باشندگان در خون خفته کابل ویران از هریک این بگفته کرزی (رهبران سیاسی و جهادی) و جنگجویان و چپاول گران شان خاطرات تلختر از زهر دارند و هنوز خون شصت و پنج هزار شهید شان خشک نشده و هنوز حتی یک نفر از آن دزدان مال و ناموس مردم و آن غارت گران و جانیان شرف باخته و مزدور که کابل زیبا را به ویرانه ای غم انگیزی مبدل کردند و جوی هایی از خون جاری ساختند و به زن و دختر و مادر و خواهر و پسر و پدر مردم نامردانه تجاوز کردند و حتی از مادر هفتاد ساله هم دریغ نکردند و فراتر از آن نامردانه به زنان مظلوم مرستون کابل بصورت دسته جمعی تجاوز کردند و هستی و زندگی مردم را برباد دادند و هزار و یک کار ناروای دیگر که قلم از نوشتن آن شرم دارد..... ، در حق مردم مظلوم و بی دفاع کابل روا داشتند و..... ، حساب پس نداده اند که جناب کرزی از آن جانیان شرف باخته و بی وجدان تقاضای اتحاد میکنند. تقو بر تو ای چرخ گردون تقو. این به گفته جناب کرزی (رهبران سیاسی و جهادی) افغانستان کیها اند؟ اگر مشخص تر سازیم رهبران سیاسی مورد نظر کرزی همانا خلقی ها و پرچمی هائی زیر دارگریختگی و وطن فروش اند که امروز یا در کابینه کرزی و یا هم در پارلمان اش بی خیال لمیده اند و به ریش کرزی میخندندو گاهی هم از تلویزیونهای کابل سرکشیده و به خونهای شهدای ما توهین روا داشته و مشغول حزب و حزب سازی اند و نه شرم دارند و نه حیا و نه هم غیرت و..... و اما رهبران جهادی ! که حیف نام رهبر و صد حیف نام جهاد که به گند نام های مورد نظر کرزی آلوده گردد. آنها هرگز نه رهبر بوده اند و نه هم جهاد کرده اند ، بلکه اوباشان بی خصلت و دون صفتان نوکر مشربی بوده اند که از نخستین روز های کودتای نامیمون ثور به دامان باداران خارجی خویش پناه برده و جهاد و مقاومت را به کجراه بردند و در فردای فرار مهاجمین روس از سرزمین آزاده ما چنان بر سر و کله همدیگر کوبیدند گرفتند که حکومت نجیب از خیرات آن ، سه سال دیگر به حیات ننگین اش ادامه داد. واما بعد از خیانت دوستم گلم جم به ارباب اش نجیب قصاب و سقوط حکومت دست نشانده کابل ، همین بگفته کرزی (رهبران جهادی) چهار نعل بصوب کابل تاختن گرفتند و در ظرف چند ماه نخست کابل را به ویرانه مبدل کرده و دمار از روزگار مردم مظلوم کابل بدر آوردند و کابل زیبا در یک چشم بهم زدن دود شد و به هوا رفت ، توگوئی میدان نبرد جنگ دوم جهانی بوده است . باقی قضایا و جریانات را جناب کرزی به یقین بهتر از ما میدانند و جناب شان شخصا در صحنه حضور داشته اند. حتی اگر اندکی بهتر روشنی انداخته شود ، در همان زمان که از کشته های مردم پشته ها ساخته بودند و خون مردم بی محبا ریخته می شد و راکت و بم و خمپاره ، باران مرگ میبارید ، جناب شان معین سیاسی وزارت امور خارجه رژیم ربانی- مسعود بودند که روزی به ریاست امنیت ملی آنزمان که ریاست آن بدوش خادیس مشهور قسیم فهیم بود ، فراخوانده شدند و بلافاصله به جرم

ارتباط با حزب اسلامی کلبدین حکمتیار زیر شکنجه شخص قسیم فهیم قرار گرفته و دود از دماغش کشیده بودند که یک راکت حزب اسلامی به همان ساختمان که ایشان زیر مشت و لگد فهیم خان خادیسیت قرار داشتند و از سر و روی شان خون جاری بود ، اصابت نموده و موجبات فرار شانرا فراهم ساخت و باقی قضایا....

همان قسیم فهیم خادیسیت بعد ها در خدمت (سی-آی-ای) قرار گرفت و به وزارت دفاع و معاونیت ریاست جمهوری و مارشالی رسید و امروز در مشرانو جرگه عضو انتصابی جناب کرزی اند. اگر از هریک از این بگفته جناب کرزی (رهبران جهادی) و کار روائی های شان گفته شود مثنوی هفتاد من کاغذ میشود ، اما باید گفت که همین افراد مورد نظر آقای کرزی که بگفته ایشان باید متحد شوند ، مسؤل ویرانی کابل و کشتار سیستماتیک بیش از شصت هزار مردم کابل و به یغما بردن هست و بود مردم و تخریب اردوی دوصدهزار نفری افغانستان و نیز مسؤل دامن زدن به تفرقه های قومی ، لسانی ، مذهبی و منطقوی میباشد که اثرات شوم آن تا هنوز هم پابرجا است.

احمد شاه مسعود که همه کاره رژیم بود ، در آخرین تلاش دست به یک مانور دیگر زد و به فرماندهان و قومندانان تحت امر خود هدایت داد تا از مقاومت در مقابل طالبان دست کشیده و راه عبور آنان را بصوب کابل باز نمایند . مسعود از این مانور نظامی خویش دو نتیجه را متوقع بود :

۱- ضربه زدن به نیروهای نظامی حزب اسلامی در چهارآسیاب

۲- ضربه زدن به نیروهای نظامی حزب وحدت در دارالامان و کارته سه

و اما حکمتیار بخوبی دریافته بود که اگر با طالبان درگیر نبرد شود ، نیروهای نظامی حزب از عقب مورد ضربات شورای نظار قرار خواهد گرفت ، همان بود که تصمیم به تخلیه چهار آسیاب گرفته و طالبان را رو در رو با شورای نظار قرار داد . و اما احمد شاه مسعود با یک تیر دو نشان زد و رقبای خویش را بوسیله طالبان به شکست مواجه ساخته باعث فرار شرم آور حکمتیار و رفقای حزبی و قوای نظامی اش از چهار آسیاب گردید ، کار ایکه مسعود هرگز قادر به انجام آن نبود و به ساده گی با یک یورش طالبان به سنگرگاه های آن حزب صورت گرفت و نیز حزب وحدت اسلامی که در موقعیت کاملا مشابه قرار گرفته بود، مجبور گردید تا سلاح سقیله خود را به طالبان تسلیم نماید و عبدالعلی مزاری رهبر حزب وحدت در آخرین تلاش سر بر پای طالبان گذاشت و میگویند که با چادری به دیدار فرماندهان طالبان رفت که وی را اسیر گرفته و به بدترین شکلی کشتند. مسعود دیگر پیروز بود و دو رقیب سرسخت را از سر راه خود رفته بود بدون آنکه حتی یکنفر تلفات داده و یا هم یک مرمی فیر نموده باشد. اکنون نوبت چانه زدن با طالبان و تقسیم قدرت با آنها بود ، مگر طالبان حاضر به تقسیم قدرت نبودند و از وی خواستند تا بدون قید و شرط تسلیم شود و....

مقاومت فایده نداشت و طالبان در دروازه های کابل برای یک حمله وسیع و همه جانبه آماده گی می گرفتند که مسعود به نیروهایش امر تخلیه کابل را داد و شبانه بصوب پنجشیر فرار کردند و هر آنچه بردنی بود نیز با خود بردند و در پنجشیر سنگر گرفته و تونل سالنگ را نیز از عقب خویش ویران کردند... احمد شاه مسعود در یک اتحاد تکتیکی با بقایای حزب وحدت و حزب اسلامی و اتحاد اسلامی و جنبش دوستم و شورای منحل ننگرهار متحد شدند و به مقاومت پرداختند که هرگز پیروزی ای برای شان دربر نداشت .

جناب کرزی از اتحاد های چند و چندین بار به اصطلاح شما (رهبران جهادی) چه توقعی دارید؟ آیا فکر میکنید که این خود و جهاد فروشان در همکاری با بگفته شما (رهبران سیاسی) که همانا وطن فروشان بی ننگ و ناموس خلقی و پرچمی و شاید هم ملیشه ئی مد نظر تان باشد ، چه گلی را میخواهید بسر مردم درد رسیده و مظلوم افغانستان ویران بزنید؟! جناب کرزی ملت افغانستان هرگز و هرگز به اتحاد و همبستگی (رهبران) مورد نظر شما نیاز ندارند، بلکه میخواهند همهء شان بدون استثنا به محاکمه سپرده شده و اعدام انقلابی گردند و کشور از لوٹ متعفن شان نجات یابد و آرامی و آزادی و صلح و صفا در کشور حکمفرما گردد و تا زمانیکه این به اصطلاح شما (رهبران سیاسی و جهادی) به محکمه عدالت مردم سپرده نشوند ، صلح ، همبستگی و اتحاد و اتفاق و آزادی و آرامی هرگز برکشور بر نخواهد گشت. اما شما جناب کرزی کاری به این کار ها ندارید و فقط بخود و به چوکی خود و برادران تان می اندیشید و بقای خویش را در اتحاد (رهبران سیاسی و جهادی) می ببینید. امریکائی ها هم از شما نا امید شده و روی برگرفته اند و درک کرده اند که شما کفایت رهبری راندارید . فراموش نکنید که همین به اصطلاح (رهبران سیاسی و جهادی) مورد نظر شما نوکران بی مقدار و بی ارزش (سی - آی - ای) هستند و بدون اجازه بادران شان حتی آب هم خورده نمی توانند و اگر بادران اراده کند ، این دستمال های آلوده را به دور می اندازند و آنها حتی قادر نیستند خود را حفاظت کنند ، چه رسد به آنکه شما را در مسند ریاست جمهوری نگهدارند. این خیال باطل را از سر دور کنید. مردم افغانستان نه از اتحاد های تاکتیکی و اجباری این رهزنان و سوداگران جهاد و به گفته شما (رهبران سیاسی و جهادی) اهم از خلقی و پرچمی و اخوانی و طالبی خیری دیدند و نه هم از پارچه پارچه بودن و بنام های مختلف در فرق همدیگر میخ کوبیدن و کشور را به ویرانه مبدل کردن شان. این رهزنان و وطن فروشان چپ نما و راست گرا که بدترین و تاریک ترین و خونبار ترین و سیاه ترین روزگار را بر مردم رنج دیده افغانستان به ارمغان آوردند ، اگر متحد شوند به یقین که محشرا کبرا برپا خواهند نمود و حمامی از خون و خیانت و خاکستر در سرتاسر کشور بوجود خواهند آورد ، که هرگز چنین مباد!!

جناب کرزی در جای دیگری از فرمایشات شان داد سخن داده میفرمایند : ((خلقی و پرچمی را فراموش کنید)) ، جناب کرزی ! شما با این گفتار ضد و نقیض تان هم به میخ میزنید و هم به نعل و بگفته دیگر میخواید (هم لعل بدست آید و هم یار نرنجد) و همزمان میخواید دوخربوزه را به یک دست بگیرید ، در حالی که شما در هفت سال گذشته به خوبی نشان دادید که حتی قادر به گرفتن یک خربوزه نیستید و برای ریاست جمهوری هرگز آفریده نشده آید. شما خواهی نخواهی رفتی هستی ، کوشش نکنید قبل از ترک قصر ریاست جمهوری و به احتمال قوی ترک کشور ، زمینه ساز یک خانه جنگی دیگر در افغانستان گردید. مردم افغانستان هرگز و هرگز جنایات بی حد و حصر وطن فروشان بی همه چیز خلقی و پرچمی را فراموش نمی کنند. مردم هرگز پلیگونها ، پلچرخ ، ریاست های بیشمار خاد در کابل و سرتاسر افغانستان ، خاد نظامی ، خاد ملکی ، شکنجه گاه های متعدد ، گورهای دسته جمعی بیشمار در سرتاسر کشور ، ناخن کشیدنها ، شوک های برقی ، اعدام های دسته جمعی ، زنده بگور کردن ها و هزار و یک جنایت و خیانت و بربریت و شقاوت دیگر این وطن فروشان بی ننگ و عار را فراموش نخواهند کرد ، شما جناب کرزی مختارید هرچه را میخواید فراموش کنید ، ولی از مردم نخواهید قاتلین بی رحم فرزندان برومند شانرا و شکنجه گران و مستنطقین سادیست و وحشی خاد و واد و اگسا و کام و خلقی ها و پرچمی های وطن فروش را فراموش کنند ، راه مردم از راه شما جدا است.

سیاف : "گپ آخر من این است، بسیار عامیانه می گویم، این میدان (جنگ افغانستان) را تا مجاهد نزنند (فتح نکنند) پدر کس زده نمی تواند". (خدا بنده قاصد شمشیر زن)

عبدالرب رسول سیاف و بگفته هموطنی (خدا بنده قاصد شمشیر زن) که بسیار عامیانه داد سخن داده و هنوز هم در فکر زدن زدن و شمشیر کشی است نیک میدانند که شمشی کش های بی بند و بار اش هرگز قادر نشده اند حتی یک جنگ را فتح کنند ، آقای شمشیر زن که همیشه در سایه ای احمد شاه مسعود و شورای نظار خود را بزرگ میدید ، مانند موشی بود که در سایه فیل راه میرفت ، از اینها گذشته مردم افغانستان به چشم و سر دیدند و با پوست و استخوان خویش احساس کردند که شمشیرزنان سیاف که مشق راکت زنی میکردند چه محشر کبرائی در افشار و کارته سه براه انداختند و چه وحشتی برپا کردند. خاطرات تلخ آن جنایات وحشیانه شمشیرزنان سیاف و شورای نظار هرگز از یاد مردم افغانستان نمی رود. جناب شمشیر زن حتی در سایه فیل هم قادر نشد تا حتی در پل باغ عمومی کابل امنیت بیاورد . در پنج سال حاکمیت ربانی- شورای نظار در باغ عمومی کابل ، شب و روز بلاوقفه راکت باری و کشتار و تخریب و چور و چپاول شب و روز ادامه داشت ، هر قومندان و شمشیر زن و راکت پیران از خود حکومت داشتند و تنها و تنها در کابل شش حکومت در شش منطقه حکمفرمایی میکردند و از خود قرارگاه های نظامی و پاتک ها داشتند و هر قومندان و شمشیر زنی در قرار گاه خود شش ، هفت زن و دختر ها و پسران نابالغ را نگهداری میکردند و هر روز به ناموس مردم تجاوز مینمودند . آیا جناب شمشیر زن بخاطر دارند که در فردای تسخیر پوهنتون کابل توسط شورای نظار و به همکاری اتحاد اسلامی آن جناب ، چند صد زن و دختر برهنه را از زیر زمینی های پوهنتون کابل و علی آباد بیرون نمودند که مو ها و ناخن های شان بصورت وحشتناکی رسیده و شکل وحشی ها را داشتند . به آن مظلومترین خلق خدا ماه ها بصورت دسته جمعی از سوی شمشیر زنان و راکت پیران های حزب وحدت تجاوز شده بود و روی آفتاب را ندیده بودند. شمشیر زنان شما در افشار و دارالامان و کارته سه دمار از روزگار مردم بدر آوردند. جنگجویان و جنگ آوران حزب اسلامی در تقبل با جنگ جویان (زدنی) شما و مارشال و فیل مارشال های بیشمار رفقای اخوانی - خلقی - پرچمی و ملیشه ئی تان حمامی از خون برپا کردند . میخ بر فرق مردم کوبیدند ، رقص های مرده و زنده براه انداختن ها و گوش و بینی بریدن ها و به تماشای ولادت دادن زنان حامله نشستن ها و بر فرق مردم تیل داغ پاشیدن ها و شیش فروختن ها و هزاران هزار ناروای دیگر از مشغولیت های روزمره شمشیر زن های شما بود . آیا با همین شمشیر زن ها میخواید (میدان را بزنید) ؟ واقعا هم تا شما ها از پس این کار های ناروا برنیائید ، (پدر کس زده نمی تواند). شما کدام میدان را زده و فتح کرده اید که این میدان را (بزنید) ؟ آیا بیاد دارید که با رسیدن طالبان به دروازه های کابل، (زدن) یاد تان رفت و وحشت زده پا به فرار گذاشتید؟ اگر احمد شاه مسعود نمی بود سرنوشت تان بدتر از مزاری بود ، ولی با تاسف شما به همان حامی تان هم وفادار نبودید و بدترین خیانت را در حقش روا داشتید و توطئه قتل نامردانه اشرا طرح ریختید و به کمک قسیم فهیم و به احتمال قوی عبدالله عبدالله وی را به راکت بستید. البته شما جناب شمشیر زن اختیار دارید که منکر این جنایت گردید و یاران بی وفای احمد شاه مسعود هم سکوت اختیار کنند ، اما آفتاب را نمی شود با دوانگشت پنهان نمود. شما آقای بزین بهادر از ترس طالبان به دور ترین نقطه دره پنجشیر پنهان شدید و تا سر و کله طیارت جنگی و بم افکن امریکائی در فضای افغانستان ظاهر نشده بود و تا طیارات (بی ۵۲) خاک افغانستان را به توبره نکرده و طالبان را بعد از سه هفته مقاومت ، مجبور به ترک کابل نساخته بود ، بال تان میسوخت که حتی بسوی کابل نگاه کنید. آیا با همین افراد و با همین شمشیر زن های فراری میخواید میدان را فتح کنید؟ بفرمائید (دا کز او دا میدان) . شما جناب (خدا بنده قاصد شمشیر زن) حتی قاد به حفظ جان خود هم نیستید و از قصر رهائیشی تان تا شورای ملی یعنی محل خورد و خراب و جفنگ گوئی و لاف زنی و بوتل پرانی هم باید از بادبگارد های مسلح و موتر های ضد گلوله استفاده ننمایید. اگر چنین نیست از سر لطف حتی یکبار بدون محافظ و

بادیگارد و موتر ضد گلوله از خانه بیرون شوید ، یقین داشته باشید که هرگز به شورای ملی نخواهید رسید. شمشیر زن های بی غیرت شما را به شمول خود جناب ، مردم دیدند که چگونه با یک تک تفنگ پا بفرار گذاشتند و چهار پا داشتند و دوی دگر قرض کرده مانند کارطوس از محرکه ناپدید شدند. شما را عادت بر این است که همیشه خود را در سایه فیل ، بزرگ احساس کنید. تا دیروز در سایه احمد شاه مسعود فکر میکردید که فرد قدرت مند و شمشیر زن قهاری هستید ، اما امروز در سایه بادران امریکائی خویش و در پناه (بی ۵۲) فکر میکنید قدرتمند ترین شمشیر زن جهان و جنگجوی قهار معرکه افغانستان و فرد بزن بهادری هستید ، اما بهتر آن خواهد بود تا از خواب گران برخاسته و واقعیت های تلخ جامعه را دریابید و بدانید که در عدم حمایت بادر امریکائی تان ، حتی برای یک ساعت هم چانس زنده ماندن در کشور را ندارید و همینکه چشم تان به جنگجویان طالب بیفتد ، جا بجا نفس تهی خواهیدکرد. شما جناب از (مجاهد) صحبت کرده اید ، آیا میدانید که مجاهد کیست و جهاد چه معنی میدهد؟ اگر نمی دانید هیچ گله ای هم از شما نیست ، برای اینکه شما هیچ چیز را بجز از دالر و درهم نمی شناسید . مجاهدین واقعی کشور را شما در سنگر های مبارزه با روس ها و ایادی بی مقدار شان نامردانه به گلوله می بستید و در فردای سقوط رژیم دستنشانده روس ، تا رسیدن به کابل جوی هائی از خون مجاهد جاری نموده و متباقی را گوشت دم توپ ساختید. آنانیکه زنده ماندند و در کنار شمشیر زن قهار و برادران اخوانی و وهابی اش ایستادند ، اجیران زیون و جنایتکاران مریض و دزدان سر گردنه بودند که نام مقدس (مجاهد) را با گند جنایات وحشتناک شان آلودند و اگر امروز معاش شان قطع گردد ، فردا سر از یک جبهه دیگر بدر خواهند کرد. آقای (خدا بنده قاصد شمشیر زن) عطایت به لقاییت و ما را از تو و امثال تو امید خیری نیست ، لطفا بیشتر از این شر مرسانید .

عبدالرب رسول سیاف وهابی در جای دیگری از سخنانش گفت : ((.... بدون سهم دادن مجاهدین برای تامین امنیت این کشور، هیچ نیرویی قادر به امن ساختن افغانستان نخواهد بود.)). این بدان معنی تواند بود که مسوول تمام نا امنی ها در کشور جناب ایشان و برادران تنظیمی و اخوانی – وهابی ایشان هستند و تا وزارت ها و صدرات و ریاست و سفارت برای شان داده نشود (سهم دادن مجاهدین) ، همچنان به ایجاد آشوب و دامن زدن به نا امنی ها خواهند پرداخت . قرار راپور های منتشر شده ، طالبان اکثر سلاح و مهمات مورد ضرورت شانرا از افراد اتحاد شمال بدست می آورند و (جبهه ملی) هم بار ها به طالبان چراغ سبز نشان داده و اعلان کرده اند که با مقامات بلند پایه طالبان در تماس و مذاکره هستند. از اینها که بگذریم یک اصل مهم را جناب شمشیر زن فراموش کرده اند و آن اینکه همان گونه که طیارات (بی ۵۲) ایشان و برادران اخوانی – وهابی شان را بر سر بر قدرت در کابل نشانند ، همان طیارات قادر اند با یک پرواز نه تنها کابل بلکه افغانستان را از شر شیطان رجیم نجات دهد و اگر چنین نشد و مقامات امریکائی همچنان این افراد فروخته شده را در خدمت نگهداشت و از آنها همچنان حمایت کرد ، در آنصورت بترسید از قهر خدا و خشم مردم .

پایان